

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی حقوق اجتماعی زنان با تاکید بر دیدگاه آیت الله جوادی آملی

مریم رعیت حسن آبادی^۱

چکیده

حقوق اجتماعی بخشی از حقوق انسان است که همه افراد جامعه از آن برخوردارند. زنان به عنوان نیمی از اجتماع، حقوق اجتماعی بخصوصی دارند مانند حق اشتغال، حق معاشرت نیکو، حق تحصیل، حق مورد مشورت قرار گرفتن و... این حقوق از ابعاد دینی اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی قابل بررسی است که مفسران و متکلمان زیادی در آثار خود به آن پرداخته اند. در این مقاله به روش تحلیلی توصیفی سعی شده که به حقوق اجتماعی زنان از دیدگاه آیت الله جوادی آملی به عنوان متکلم و مفسر معاصر که دیدگاه های ویژه ای درباره زنان دارد پرداخته شود. در طول تاریخ بشر حقوق زنان همواره مورد تضییع قرار گرفته و از این رو زنان دارای حساسیت بالایی نسبت به حقوق خود می باشند. بیان این حقوق از دیدگاه علامه جوادی آملی می تواند موجب امیدواری زنان و نقش تاثیر گذار آنان در جامعه باشد.

واژگان کلیدی: حقوق اجتماعی، علامه جوادی آملی، زن، اجتماع

۱ مریم رعیت حسن آبادی؛ سطح ۲؛ حوزه فاطمه زهرا (س)؛ قم ۰۹۱۲۰۷۸۰۱۴۸، soha6731@yahoo.com

مقدمه

در طول تاریخ بشر همواره دیدگاه های متفاوتی پیرامون حقوق زن در اجتماع مطرح شده است. برخی از دیدگاه ها در دفاع از شعار حقوق زنان به قدری راه افراط را می پیمایند که گویا زن و مردهیچ وجه تمایزی در مراحل مختلف تعقل و تفکر عواطف و احساسات و غیره ندارند و از حقوق کاملاً مساوی برخوردارند. دسته ای دیگر برای زن هیچ جایگاه و حقوقی قائل نیستند. اما نگاه اسلام به زنان نگاهی متعادل است و حقوق اجتماعی زنان در متون مختلف اسلامی که در صدر آن ها قرآن کریم می باشد لحاظ شده است. و زنانی که تا قبل از ظهور اسلام و حتی بعد از آن تا کنون در مواردی شماری موردی توجهی قوانین و حقوق موضوعه قرار می گرفتن با مراجعه به این متون و با توجه به دیدگاه های افراد صاحب نظر پی به حقوق خود برده و می توانستند به عنوان عضوی موثر در اجتماع حضور یابند. در این راستا کتب و مقالاتی به رشت تحریر در آمده است از جمله مقاله ی حقوق زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات اثر دکتر سید علی اکبر ربیع نتاج عالیه روح الله زاده اندوادی ؛ مقاله بررسی شخصیت اجتماعی زن در قرآن کریم اثر حبیب مظاهری و مقالات دیگری که به این مسئله پرداخته است . همچنین آیت الله جوادی آملی به عنوان یکی از مفسران معاصر نظراتی در زمینه ی حقوق اجتماعی زنان دارند و در آثارشان مواردی از حقوق اجتماعی زنان بیان شده از آن جمله ؛ حق اشتغال زنان , حق تحصیل زنان , حق معاشرت نیکو برای زنان , حق مشورت با زنان و...

هدف نویسنده از نگاشتن مقاله حاضر آشنایی خوانندگان با دیدگاه های آیت الله جوادی آملی در زمینه حقوق اجتماعی زنان می باشد.

۱. حق تحصیل زنان

یکی از حقوق زنان در جامعه حق تحصیل آنان می باشد. زنان قبل از ازدواج تحت ولایت پدر و بعد از ازدواج تحت ولایت همسر قرار می گیرند و در بسیار موارد علی الخصوص در زمانهای گذشته از این حق محروم می شدند ، اما شوهر حق دارد از بیرون رفتن همسرش و تماس او با نامحرم جلوگیری کند ولی حق ندارد وی را از تحصیل علم و فراگیری احکام دین و مسائل شرعی باز دارد . چون تحصیل علم واجب کفایی یا واجب عینی است. از این رو شوهران یا باید اجازه ی خروج از منزل را برای تحصیل این امور به زنان بدهند ، یا در خانه زمینه ی یادگیری آن فراهم کنند وگرنه در برابر جامعه اسلامی مسئول هستند . زیرا امت اسلامی به مدیریت زنان نیاز ضروری دارد که بیمارستانها ، آموزشگاه ها ، آزمایشگاه ها و صدها مرکز علمی و اجرایی مخصوص زنان را اداره کنند . علاوه بر این امروزه شبهات فراوان از طریق تبلیغات رسانه ها به افکار زنان و دختران مسلمان هجوم می آورند که دانستن پاسخ آن ها بر زنان لازم است . از این رو گاهی باید از منزل خارج شوند و در مراکز علمی و دینی پاسخ آن ها را بشنوند. بر این اساس اولاً مجلس شورای اسلامی و مسئولان دادگاه مدنی خاص می توانند در این زمینه طرح و لایحه را فراهم و قوانینی تصویب و تدوین کنند تا مشکلی ایجاد نشود. چنان که پس از انقلاب با تغییراتی در عقدنامه اموری را به عنوان شرط ضمن عقد در آن گنجانند ، از طرفی از آن جا که تامین نیازهای جامعه واجب کفایی است عده ای باید شرایط آن را تحصیل کنند تا در امت اسلامی خلاف شرع رخ ندهد و نمی توان گفت مسئله ی درمان و مانند آن با ضرورت حل میشود؛ زیرا می توان جلوی اصل ضرورت را گرفت پس چرا از بابت ضرورت کار خلاف اجازه داده شود. (

جوادی آملی ۱۳۸۹ جلد ۱۸ ص ۱۶۸)

بنابراین مردان اعم از همسر، پدر و برادر در این گونه موارد حق ندارند ممانعت کنند و اگر جلوگیری کنند و خلاف شرعی پدید آید آنان مسئول می باشند. مسئله ای که در رابطه با حق تحصیل زنان مطرح میشود ، فراهم کردن مقدمات تحصیل علم برای زنان جویای علم میباشد. برخورداری بودن زنان از علم ایجاب میکند مقدمات آن همانند دانشکده ی پزشکی ویژه ی بانوان نیز فراهم شوند . وقتی حدیث فریضه

ی علم تحقق میابد و کاملاً با آن عمل می شود که زمینه ی رشد تحصیل و تخصص زنان فراهم شود. (جوادی آملی - ۱۳۸۹، جلد ۱۸، ص ۲۶۸)

۲. حق اشتغال زنان

انسان - خواه زن، خواه مرد - ابزار فراوانی برای تکامل در اختیار خود دارد، و هرگز خودش ابزاری برای کالاهای دنیا و متاع زودگذر آن نخواهد بود، چه این که وظایفی که برای انسانها تعیین شده هرگز او را به صورت ماشین کار و ابزار رفع نیاز در نمی آورد و در این جهت هیچ امتیازی بین زن و مرد نیست تا گفته شود: نگرش اسلام به زن نگرش ابزارگونه است و زن به عنوان موجود وابسته، تلقی می شود مثلاً همیشه می گویند: زن نمونه یک همسر خوب، یک مادر خوب و... است، گویا برای خود او اصالتی نیست و همواره او را با ارزشهای مردانه می سنجند. البته این گونه تعبیرها برای مرد نیز وجود دارد و هرگز منظور از این تعبیر حذف استقلال هویت انسانی زن یا مرد نبوده و مقصود آن نیست که زن چون همزه وصل است که بین مردها سقوط کند، یا ابزار خانواده یا جامعه گردد تا دیگران به کمال برسند و او همواره در حدّ ابزار بماند، چون انسان متکامل، دارای شوون گوناگون است و نشانه کمال او در چهره وظایف محوّله ظهور می نماید و خوبی زن در سیمای سِمَت های یاد شده متبلور است چه این که خوبی مرد در چهره وظایف خاص خویش جلوه گر می باشد، غرض آن که هرگز زن موجود وابسته نیست تا حقوق وابستگی دریافت نماید و هیچگاه هویت ابزاری ندارد تا از استقلال ذاتی محروم باشد. [جوادی آملی، ۱۳۸۸، صفحه ۳۳۸]

در جاهلیت زنان را از جامعه انسانی طرد و با آنان مانند کالای مصرفی رفتار می کردند. اما در اسلام و تعالیم دین مبین اسلام هیچ مانعی را برای اشتغال زنان مطرح نمی شود. اگر سیستم اداره جامعه بر موازین ستر و عفاف و طهارت روح استوار باشد هیچ گونه مانع شرعی برای حضور زنان در مشاغل گوناگون وجود ندارد. (جوادی آملی - ۱۳۸۸ - ص ۱۵۷) حرفه هر فردی، اثر مسقیم در اخلاق و رفتار وی دارد؛ کسی که بر اثر طمع و زراندوزی در انتخاب شغل مناسب وقت نمی گذارد بیش از هر کس

به خود ضرر می زند و شخصیت انسانی خود را در هم می شکند. با داشتن شغل نا مشروع نمی توان روحیه ای نجیب و برجسته داشت و معضلی را حل کرد. شغل خوب و آبرو مند گره از کار جامعه می گشاید و نیز در تعالی روحی و اخلاقی انسان اثر می گذارد. چنان که امام صادق (ع) می فرماید: خدای عزیز و جلیل کارهای شکوهمند و عالی را دوست دارد و کارهای پست و سبک را خوش ندارد. (شیخ حرعاملی. جلد ۱۷ ص ۷۳). و یکی از حقوق فرزندان بر پدر انتخاب شغل مناسب برای فرزند است. (شیخ حرعاملی. جلد ۲۱ ص ۳۹۰) (جوادی آملی - ۱۳۸۸، ص ۲۶۲) حال که زنان دارای حق اشتغال می باشند برای حفظ روحیه آنان و از طرفی دیگر برای بقای عواطف و احساسات زنانه در جامعه که در بسیاری از موارد این زنانه بودن نیاز ضروری حیات جامعه است باید سعی شود موقعیت های شغلی مناسبی برای زنان فراهم شود. زنان باید در مشاغل مناسب با وضع جسمی و روحی خود قرارگیرند و جامعه نیز موظف است از به کارگیری زنان در مشاغل با اهداف سوئی چون: جذب مشتری، عدم پرداخت کافی حقوق، زورگویی و... بپرهیزد.

برخی پنداشته اند که اگر زن و مرد را یکسان آموزش دهند نتیجه بهتر خواهند گرفت و نتیجه آن شد که زنان در کارهای عاطفی و هنری و تصویری موفق بودند. و مردان در کارهای حکومت داری و جنگ و قضا و مسائلی که نیاز به شدت و قاطعیت بود. این نتیجه عملی اثبات سخن اسلام بود؛ که جهاد و قضا را از دوش زن برداشت، زیرا طبع زن با تندی و شدت تناسب ندارد. (جوادی آملی - ۱۳۸۹ - جلد ۱۷ ص ۵۹۲) و این بدین معناست که حق اشتغال زنان هیچ گاه با این موارد ممنوعه مانند: جهاد و قضا تضییع نشده و در واقع کاملاً هم رعایت شده تا زنان در کنار شغل ناسب، روحیات خود بتوانند نقش های مادری، همسری، دختر بودن و... که نیاز به عاطفه و زنانگی خاص خود را دارد را ایفا کنند. هم چنین است که اگر زن به مقام فقاهاست بار یابد راه حضور در مسائل مشورتی نظیر: شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی او باز است. اگر احیاناً برای شورای نگهبان شش نفر فقیه از رجال قرار داده شده آن برای آن است که دشواری های برخورد را آنان بهتر بتوانند تحمل کنند و گرنه اگر حضور زنان و حشرآنان با مردان موجب محذور نباشد، بعید نیست که فقهای از زنان نظر و فتوا بدهند

داوری نکند کارهای اجرایی با ترقی و کمال علمی و معنوی تفاوت دارد. مثلاً والی جامعه اسلامی باید مرد باشد ولی درس ولایت را ممکن است از زن بیاموزد کمال فقط در علم و تقوا است خواه در زن یا مرد. (جواد آملی ۱۳۸۹ - جلد ۱۸. ص ۱۶۶، ۱۶۷)

در اسلام هیچ کمالی مختص مرد نیست و هیچ کمالی از زن دریغ شده بلکه هرکس خلوصش بیشتر باشد تقربش به خدا بیش تر است چه بسا زنی در سمت مادری خلوص بیشتری از همسرش در سمت پدری داشته باشد و فضیلتش به مراتب بیشتر از مرد باشد؛ چون خلوص و فضیلت و کمال از عقیده و اخلاق نشأت می گیرد و عقیده و اخلاق را روحی تنظیم می کند که مذکر و مونث ندارد. (جواد آملی ۱۳۸۹، جلد ۳، ص ۳۵۵)

به لحاظ اجرایی بودن و نبوت و رسالت ممکن است هیچ زنی نبی و رسول نشود، لیکن در بعد تکوینی امامت، یعنی ولایت، که مقام باطنی و پیوندی معنوی میان عبد و مولاست و با امورات اجرایی مرتبط نیست، زن نیز می تواند در معرض عهدالهی، یعنی همان مقام امامت قرارگیرد و ولی خدا شود؛ چنان که صدیقه طاهره حضرت فاطمه (سلام الله علیها) با اینکه دارای سمت نبوت و رسالت نیست، از اولیای الهی است. شاید حکمت اینکه پیامبر باید مرد باشد و از این منظر خدای سبحان فرمود: ما پیش از تو جز مردان را به پیامبری برنگزیدیم. (سوره یوسف آیه ۱۰۹) این است که پیامبر با مردم در تماس است؛ مردم در حوادث گوناگون به او مراجعه کرده، مشکلات را با او در میان می گذارند و امور مختلف اجتماعی هم چون جنگ و صلح و مانند آن را سازماندهی می کند؛

با توجه به دشواری ها و مخدورهای این گونه امور برای زنان، خدا پیامبرانی خود را تنها از میان مردان برگزیده است. اما مقام ولایت چنین نیست؛ از این رو همانگونه که حضرت عیسی و امیر مومنان امام علی (ع) ولی الله هستند حضرت مریم عزراء و صدیقه کبرا فاطمه زهرا (س) نیز از اولیاءالله اند؛ چنان که خدا با توجه به مقام ولایت حضرت مریم او را صفوه معرفی کرده است.

(یا مریم الله اصفاک و طهرک و اصفاک علی نساء العالمین) (سوره آل عمران آیه ۴۲)

و نشان کمال ذاتی آن حضرت است و اصطفا‌ی دوم که با حرف جر(علی) آمده ، نسبی و علامت کمال قیاسی است . شاهد بر اینکه حضرت مریم به اذن خداوند از تاثیر ولایت خود بهره می برد اینکه هرگاه حضرت زکریا وارد محراب آن حضرت می شد نزد اورزقی می یافت که خداوند برای او فرستاده بود ؛ و چنین فیض غیبی از آثار ولایت شخص مستفیض است . راز عدم تاثیر جنسیت شخص در نیل اموری مانند ولایت به او این است ، که این گونه کمالات از آن روح آدمی است و روح انسان نه مذکر است نه مونث و نه خنثا بنابراین ، آیاتی که بر پاداش دهی یکسان به زن و مرد نیکوکار ولایت دارد. در مقام بیان برابری زنان با مردان نیست بلکه این گونه آیات از باب ارشاد به نفی موضوع بوده و بدین معناست که در اینگونه مسائل ، ذکوریت و انو‌ث و مانند آن نقشی ندارند .

نکته اجتماعی مهمی که نباید مغفول باشد این است که گاهی بر اساس فرهنگ محاوره و آیین گفت‌و‌مان ادبیات مردم دارای رواج است، نظیر آنکه گفته می شود : « مردم قیام کردند » ، « مردم رای دادند » ، « مردم ایمان آوردند » و ... که در همه این موارد منظور جامعه انسانی و امت اسلامی است خواه مرد خواه زن و هرگز عنوان مردم مانند عنوان مردان نیست که در برابر زنان باشد ، لیکن فرهنگ محاوره بر این روال است ؛ از این رو در قرآن عنوان الذین رواج دارد که مراد واقعی آن اعم از مرد و زن است ؛ هر چند این کلمه به حسب لغت مخصوص مردان است . (جوادی آملی ۱۳۸۹ - جلد ۶ ، صفحه ۴۹۶ ، ۴۹۷)

دراین زمینه جادارد که از نبوت پیامبر بگوئیم گرچه پیغمبر کسی است که وحی برا او نازل می شود ، اما آن گونه نیست که هرکسی وحی دریافت کرد پیغمبر باشد چون وحی گاهی انبائی است و گاهی تشریعی . چه این ک نبوت گاهی نبوت انبائی است و گاه نبوت تشریعی قرآن کریم مسأله نبوت تشریعی را به صورت رسالت بیان میکند ، چون بک کار اجرایی است و حشر با مردم را به همراه دارد و رهبری و جنگ و صلح و دریافت مسائل مالی و توزیع اموال و تنظیم کار جامعه را به عهده دارد این نوع نبوت را در اختیار مردها قرارداده و در سوره یوسف (ع) و سوره نحل به آن اشاره می کند که رسالت یک کار اجرایی است و ماقبل از توای پیامبر (ص) هیچ کس را جز مرد به عنوان رسول

نفرستادیم و فقط به مردها وظیفه رسالت دادیم. پس رسالت، به معنی رهبری جامعه و ... نبوت خاصی است که چون مقام اجرایی است به عهده مردها گذاشته شده ولی نبوت انبائی بدین مفهوم که مرزی از طریق وحی مطلع شود که در جهان چه می گذرد آینده جهان چیست؟ و آینده خودش را ببیند و از آینده دیگران نیز با خبر شود و این نوع از نبوت به ولایت برمی گردد نه به نبوت تشریعی و رسالت اجرایی اگر چه این نوع نبوت از پشتوانه هر گونه رسالت و نبوت تشریعی است اما اختصاص به مردان ندارد بلکه زنان نیز می توانند به این مقام برسند. (جوادی آملی ۱۳۸۸ - صفحه ۱۶۷)

نتیجه

حقوق اجتماعی زن ازدیدگاه ایت الله جوادی آملی شامل موارد حق معاشرت نیکو برای زنان، حق اشتغال زنان، حق تحصیل زنان، برابری زن و مرد در امکان نیل به مقام ولایت به آنان میباشد. با توجه به این دیدگاه زنان مانند مردان به عنوان عضوی از اجتماع از حقوق اجتماعی مخصوص به خود بهره مندند. و جامعه نمی تواند با عناوین مختلف آنان را از این حقوق محروم سازد و اگر تفاوت هایی در بهره مندی های آنان وجود دارد به خاطر اختلاف روحيات و توانمندی جسمی زنان می باشد و هیچ گاه نشانه ی برتری مردان بر زنان نخواهد بود.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

- جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، محقق محمد صفایی، قم انتشارات اسراء، چاپ سوم، ۸۹ هـ_ش
- _____، اسلام و محیط زیست، محقق عباس رحیمیان، قم، انتشارات اسراء، چاپ پنجم، ۸۸ هـ_ش
- _____، بنیان مرصوص امام خمینی در بیان و بنان، محقق محمد امین شاهجویی، قم انتشارات اسراء، چاپ هشتم، ۸۴ هـ_ش
- _____، تفسیر تسنیم، محقق احمد قاسمی، قم انتشارات اسراء، جلد سوم، چاپ پنجم، ۸۹ هـ_ش
- _____، تفسیر تسنیم، محققین حسین اشرفی و عباس رحیمیان، قم انتشارات اسراء، جلد هفدهم، چاپ دوم، ۸۹ هـ_ش
- _____، تفسیر تسنیم، محققین حسین اشرفی و روح الله رزقی، قم انتشارات اسراء، جلد هجدهم، چاپ دوم، ۸۹ هـ_ش
- _____، جامعه در قرآن، محقق مصطفی خلیلی، قم انتشارات اسراء، چاپ سوم، ۸۹ هـ_ش
- _____، زن در آینه جلال و جمال، محقق محمود لطیفی، قم انتشارات اسراء، چاپ نوزدهم، ۸۸ هـ_ش
- _____، سرچشمه اندیشه، محقق عباس رحیمیان، قم انتشارات اسراء، چاپ پنجم، ۸۶ هـ_ش
- عاملی، شیخ حر، وسایل الشیعه، انتشارات آل بیت، ۱۴۱۴ هـ_ق
- مجلسی محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی ۱۱۰۸ هـ_ق